

امام زمان

عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

الْوَقَاتُونَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُوقَّتُ؛^(۱) کسانی که زمان ظهور را تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند. ما اهل بیت، وقت، تعیین نمی‌کنیم.

ابو علی محمد بن همام می‌گوید طی نامه‌ای از ناحیه مقدسه سؤال کرد: «ظهور فرج کی خواهد بود؟» پس [از جانب حضرت قائم علیه السلام] تویع بیرون آمد که «تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند.»^(۲)

اما در پاسخ این سؤال که «اگر نزد

○ آیا زمان ظهور امام زمان علیه السلام مشخص است و اگر چنین است تقاضای تعجیل چه معنایی دارد؟

● زمان ظهور امام زمان علیه السلام نزد خداوند مشخص است؛ اما نزد دیگران مشخص نیست. کسی که آن زمان را تعیین کند، در روایات ائمه اطهار علیهم السلام تکذیب شده است.

به چند نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

ابو بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در باره [زمان ظهور] حضرت قائم علیه السلام سؤال کردم؛ ایشان فرمود: «كَذَبَ

۲. الکافی، کلینی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش، چهارم، ج ۱، ص ۳۶۹، بَابُ كَرَاهِيَةِ التَّوَقُّيْتِ.

۳. کشف الغمّة، ترجمه و شرح زواره‌ای، انتشارات اسلامیة، تهران، سوم، ۱۳۸۲ ش، ج ۳، ص ۴۵۶.

۱. با استفاده از مطالب مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه قم.

خداوند، زمان آن تعیین شده باشد و خداوند می‌داند که فلان روز و سال، آن حضرت ظهور خواهد کرد، در این صورت، دعا برای تعجیل چه معنا دارد؟ آیا دعا، برای تعجیل اثر دارد یا نه؟» باید گفت:

عالم و آنچه در آن است، بر اساس قضا و قدر الهی استوار است. خداوند به علم ازلی، از تمام حوادث عالم آگاه است؛ ولی اگر خداوند، همه چیز را به علم ازلی می‌داند، برای هر چیز، اسباب و علل نیز قرار داده است که امور عالم بر اساس آن پیش می‌رود. اسباب و علل، وقتی به وجود آمد، معلول آن نیز ظاهر می‌شود؛ چنانچه در روایات آمده است که صله رحم، صدقه و ... عمر انسان را طولانی کرده، روزی انسان را زیاد می‌کنند؛ در حالی که عمر همه انسانها نزد خداوند، مشخص است. از نظر علمی نیز ثابت شده است، اگر کسی احتیاط و بهداشت را رعایت کند از عمر طولانی برخوردار می‌شود و در غیر این صورت به امراضی مبتلا می‌شود که باعث مرگ می‌شود؛ در حالی

که خداوند به علم ازلی خود، از زمان مرگ تمام انسانها آگاه است. پس، علم خداوند به زمان مرگ انسانها، به معنای بی‌اثر بودن صله رحم، صدقه، رعایت بهداشت و ... نیست. بنابراین، در علم الهی، همه مقدرات مشخص است؛ اما مشخص شدن مقدرات، بر اساس اسباب و علل آنهاست و یکی از آنها، علل و اسباب معنوی، مثل دعاست. دعا، آثار و خاصیت‌های زیادی دارد که سبب شکل‌گیری بسیاری از مقدرات می‌شود؛ چنان‌که خداوند فرموده است: ﴿وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ﴾^(۱) «نوح [پیش از آنکه گرفتار شود، مرا] خواند، استجابتش کردیم و او و اهلس را از سختی عظیم نجات دادیم.»

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^(۲) «اگر [یونس] اهل تسبیح و راز و نیاز نبود، تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.»

و می‌فرماید: ﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ

۱. انبیاء / ۷۶.

۲. صافات / ۱۴۳ و ۱۴۴.

ظهور به معنای نفی اسباب و علل ظهور نیست؛ بلکه علم خداوند به زمان ظهور، همراه علل و اسباب آن از جمله دعا تعلق گرفته است. دعا، نقش بسزایی در تغییر مقدرات الهی دارد و می‌تواند آنها را تغییر دهد.

○ آیا در قرآن کریم، نامی از حضرت مهدی علیه السلام برده شده است؟

● ابتدا با ذکر یک مقدمه به پاسخ سؤال می‌پردازیم.

قرآن کریم برای معرفی شخصیتها به مقتضای حکمت و بلاغت، از سه روش استفاده کرده است که در ذیل بیان می‌شود:

معرفی با اسم: اولین راه، این است که شخصیت مورد نظر را با اسم معرفی می‌کند؛ برای مثال «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ»؛^(۵) «محمد صلی الله علیه و آله نیست جز پیامبری که قبل از او نیز پیامبرانی بوده‌اند.»

معرفی با عدد: در این باره برای نمونه، قرآن، نقبای بنی اسرائیل را این‌گونه معرفی کرده است؛ مانند: «وَ

مِنَ الْقَوْمِ وَكَذَلِكَ تُنْجَى الْمُؤْمِنِينَ»؛^(۱) «دعای او را اجابت کردیم و از غم نجاتش دادیم. و مؤمنین را نیز این چنین نجات می‌دهیم.»

اینها نمونه‌ای از آیاتی است که توجه به خدا و راز و نیاز با او را وسیله رفع گرفتاری و فرج در زندگی معرفی کرده است. علاوه بر آن، دعا می‌تواند باعث تغییر در مقدرات الهی شود.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ»؛^(۲) دعا، حکم الهی را بر می‌دارد.»

امام کاظم علیه السلام فرموده‌اند: «شما را به دعا کردن سفارش می‌کنم. قضا و قدر، جز اندازه و حکم الهی نیست. هر گاه دعا باشد، این حکم و اندازه را تغییر می‌دهد.»^(۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «لَا يَرُدُّ الْقَدَرَ إِلَّا الدُّعَاءُ...»؛^(۴) چیزی غیر از دعا، اندازه مقرر را بر نمی‌دارد.»

بنابراین، علم خداوند به زمان

۱. انبیاء / ۸۸

۲. بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ ق، ج ۹۰، باب ۱۶، کتاب ذکر و دعا.

۳. همان، ص ۲۹۵.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۲.

۵. آل عمران / ۱۴۴.

سوره بقره می بینیم که خداوند متعال بعد از معرفی طالوت با اسم، بی درنگ وی را با صفات و نشانه نیز معرفی می کند تا جلوی هرگونه اشتباه احتمالی گرفته شود؛ در آنجا که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلَكًا»^(۴) «در حقیقت، خداوند، طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است.» بعد می فرماید: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ...»^(۵) «و پیامبرشان به ایشان گفت در حقیقت، نشانه پادشاهی او این است که ...»

اکنون، سؤال این است که قرآن کریم، حضرت مهدی را چگونه معرفی می کند؟

با مراجعه به قرآن مجید در می یابیم که نام حضرت مهدی در این کتاب آسمانی به صراحت بیان نشده است؛ همان گونه که از حضرت علی و سایر ائمه اطهار، نامی به میان نیامده است. تصریح نکردن اسم براساس مصالحی است که خداوند علیم و حکیم بر آن آگاه است و همانطور که گفته شد تصریح به اسم، تنها راه معرفی

بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَبِيًّا»^(۱) «و از ایشان دوازده پیشوا برانگیختیم.»

معرفی با صفت: قرآن، پیامبر را با این شیوه نیز معرفی کرده است؛ مانند آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ»^(۲) «همانان که از این پیامبری که درس نخوانده پیروی می کنند.»

همچنین قرآن، حضرت علی را هم با صفاتش معرفی کرده است؛ مانند آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^(۳) «ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند، همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.»

این قسم اخیر (معرفی با صفات) شاید بهترین راه معرفی باشد؛ زیرا این نوع معرفی، راه را بر سودجویان می بندد؛ چون نام قلبی می توان درست کرد؛ اما تخلق به صفات، عملاً یک کار آسان و قابل جعل نیست؛ از اینرو در

۱. مائده / ۱۲.

۲. اعراف / ۱۵۷.

۳. مائده / ۵۵.

۴. بقره / ۲۴۷.

۵. بقره / ۲۴۸.

می‌شود. این آیات، به صورت تفسیر، تأویل و تعیین مصداق، بر آن حضرت و حکومت جهانی ایشان، قابل تطبیق است.

در کتاب «معجم الاحادیث الامام المهدي (عجل الله فرجه)» بیش از ۲۶۰ آیه در این باره ذکر شده است.^(۳)

که در ذیل تنها به بررسی برخی از آن آیات می‌پردازیم:

الف. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛^(۴) «اوست خدایی که رسول خود را با دین حق، به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم، او را تسلط و برتری دهد؛ هر چند مشرکان بدشان آمد.»

آیه فوق با تفاوت مختصری در سوره مبارکه فتح، تکرار شده است که یقیناً خبر از واقعه مهمی می‌دهد و اهمیتش، علت این تکرار می‌شود و آن، خبر از جهانی شدن اسلام و عالم‌گیر شدن این آیین است.

اشخاص نیست؛ بلکه از راههای دیگری مانند معرفی به صفات هم می‌توان بهره برد. حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) هم با برخی صفات و ویژگیها و کارها شناسانده شده است. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛^(۱) «و همانا نوشته‌ایم در زبور پس از ذکر که زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.»

حافظ سلیمان حنفی قندوزی به اسناد خویش از امام محمد باقر و امام صادق (عجل الله فرجه) درباره این آیه می‌گوید: «عباد صالح که در این آیه آمده است، حضرت مهدی (عجل الله فرجه) و اصحاب اویند.»^(۲)

به طور کلی، اندیشه مهدویت، در کلام الهی، ریشه دارد که همان حقیقت رسیدن نهایی جامعه بشری به عدالت در تمامی ابعاد است.

○ آیات المهدی در قرآن کدام‌اند؟

● در قرآن، آیات متعددی وجود دارد که به حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) مربوط

۳. معجم احادیث الامام المهدي (عجل الله فرجه)، هیئت علمی مؤسسه، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵.
۴. صف / ۹ و توبه / ۳۳.

۱. انبیاء / ۱۰۵.
۲. موعود قرآن، حسینی شیرازی، ترجمه مؤسسه امام مهدی، ج ۱۳۶۰، ص ۷۵، به نقل از عقد الدرر، مقدس شافعی، باب ۷، ص ۲۱۷.

بَعْدِ الذُّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ^(۱) «ما در زبور داوود بعد از
ذکر نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من،
وارث زمین خواهند شد.»

موضوع مورد بحث در آیه شریفه،
فراز آخر آیه است که خداوند می فرماید:
«أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

مرحوم علامه طباطبایی صاحب
تفسیر المیزان می فرماید: مراد از وراثت
زمین، انتقال منافع آن و استقرار برکات
زمین برای صالحان است و این برکات
پایان ناپذیر، شامل برکات مادی و
معنوی می شود.^(۲) با توجه به مطالب
فوق، معنای آیه شریفه این است که به
زودی، زمین از لوث شرک و گناه پاک
می شود و افراد و جامعه‌ای که خدای را
بندگی کنند و به وی، شرک نوزند، در
آن زندگی می کنند.

برای اداره چنین حکومتی که بر پایه
عدل استقرار دارد و خواسته هر انسان
عادل و شریفی است، وجود یک رهبر
عالی مقام روحانی لازم است؛ رهبری

با توجه به اینکه در آیه، هیچ گونه
قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق
است، دلیلی ندارد که معنای آیه را بر
زمان پیامبر ﷺ بدانیم. مفهوم آیه مبارکه،
پیروزی همه‌جانبه اسلام بر همه ادیان
است و اینکه سرانجام، اسلام و اسلامیان
همه جهان را تسخیر خواهند کرد.

طبق دلالت نصوص و روایات
مختلف، غلبه بر همه ادیان، زمانی خواهد
بود که ناجی بشر، حضرت مهدی ﷺ
ظهور کند و به برنامه جهانی شدن اسلام
تحقق بخشد.

مطابق قاعده این است که پیروزی و
غلبه مورد اشاره قرآن را غلبه همه‌جانبه
بدانیم؛ زیرا با مفهوم آیه که از هر نظر
مطلق است، سازگاری دارد.

با توجه به مطابقت فوق، می توان
آیه را چنین تفسیر و معنا کرد: روزی
فرا می رسد که اسلام، هم از لحاظ
منطق و استدلال و هم از لحاظ نفوذ
ظاهری و حکومت، بر تمام ادیان جهان
پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع
خویش قرار خواهد داد.

ب. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ

۱. انبیاء / ۱۰۵.
۲. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین
طباطبایی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ
پنجم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۴، ص ۳۳۰.

دلیل این موضوع، در باطن کلمه باطل، نهفته شده است؛ زیرا باطل، چیزی است که با قوانین عالم آفرینش هماهنگ نیست و سهمی از واقعیت و حقیقت ندارد و مسلماً چیزی که هماهنگ با قوانین آفرینش نباشد، نمی‌تواند برای مدتی طولانی باقی بماند؛ اما حق، عین واقعیت است. توأم با درستی و راستی و دارای عمق و ریشه و هماهنگ با قوانین خلقت است و چنین چیزی باید باقی بماند.

آنان که پیرو حق‌اند به سلاح ایمان، عمل صالح، منطق، صدق و فداکاری، مسلح و برای جانبازی و ایثار تا سرحد شهادت، آماده‌اند و به غیر خدا نیز متکی نیستند و همین اوصاف، رمز پیروزی آنها بر باطل است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ»^(۲) هنگامی که امام قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل برچیده می‌شود.

در روایات دیگری آمده است: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام متولد شد، بر بازوی مبارکش، این جمله نقش

۲. تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق. ج ۳، ص ۲۱۲.

پاک و منزه از صفات ناپسند و پست. رهبری که فقط وابسته به خدا باشد و به همه ملتها و جمعیتها و نژادها با چشم مهربانی و تساوی و برابری کامل نگاه کند.

عده‌ای از مفسران، درباره تفسیر آیه ذکر شده قائل‌اند این وراثت که آیه می‌فرماید، به دوره ظهور و حکومت ولی عصر علیه السلام اختصاص دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در اخبار متواتره از آن خبر داده و شیعه و سنی، آن خبرها را نقل کرده‌اند.

ج. «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^(۱) «بگو: حق آمد و باطل، از میان رفت؛ به درستی که باطل، رفتنی است.»

در آیه مذکور به یک اصل کلی و اساسی دیگر و یک سنت جاودان الهی، برخورد می‌کنیم که مایه دلگرمی همه پیروان حق است و آن اینکه سرانجام، حق، پیروز و باطل، به طور قطع، نابودشدنی است. باطل، صولت و دولتی ندارد، عمرش کوتاه است و سرانجام به دره نیستی سقوط می‌کند.

۱. اینکه ما می‌خواهیم آنها را مشمول نعمتهای خود کنیم؛
۲. اینکه ما می‌خواهیم آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم؛
۳. اینکه ما حکومت قوی و پا بر جا به آنها می‌دهیم؛
۴. اینکه ما می‌خواهیم آنها را وارثان حکومت جباران قرار دهیم.

با تصور موضوعات ذکر شده، می‌توان نمونه گسترده و بارز اراده حضرت حق تعالی را ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین، به وسیله حضرت مهدی عجله دانست.

در حدیثی از امام علی عجله نقل شده است که در تفسیر آیه فوق فرمودند: «هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جِهَادِهِمْ فَيَعْرِضُهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»^(۳) این گروه، آل محمد عجله هستند. خداوند، مهدی آنها را بعد از جهادشان، برمی‌انگیزد و به آنها، عزت می‌دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می‌کند.»

در میان عده‌ای از علما و دانشمندان، روایات زیادی مشهور است که ولی

بسته بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^(۱)

د. «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^(۲) «ما اراده کرده‌ایم که بر مستضعفان در زمین، منت نهاده، آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث گردانیم.»

آیه فوق، امید دهنده به همه انسانهای آزاده عالم است؛ چون وعده خداوند و اراده حضرت حق، به صورت یک قانون کلی و در شکل فعل مضارع و مستمر، بیان شده است تا اینکه کسی تصور نکند این وعده، به مستضعفان زمانهای گذشته، از جمله بنی اسرائیل اختصاص داشته است.

در تفسیر نمونه، ذیل آیه مورد نظر آمده است: در این آیه، خداوند، پرده از روی اراده و مشیت خود، درباره مستضعفان برمی‌دارد و چند امر را در این زمینه بیان می‌کند که با هم، پیوند و ارتباط نزدیک دارند که به چهار امر آن اشاره می‌شود:

۳. الغيبة للبحجة، شیخ طوسی، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۱۰.

۱. همان، ج ۳، ص ۲۱۳.
۲. قصص/۵.

عصر^ص در بدو تولد، آیه شریفه مورد بحث را تلاوت فرموده‌اند. از جمله این اخبار، روایتی است که فاضل قندوزی^(۱) از علمای اهل سنت و مرحوم شیخ صدوق^(۲) نقل کرده‌اند.

هـ. «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ - إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ - وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»^(۳) وعده قطعی ما برای بندگان مرسل ما، از قبل مسلم شده است که آنها یاری می‌شوند و لشکر ما [در تمام صحنه‌ها] پیروزند.

پیروزی لشکر حق بر باطل و غلبه جند الله و یاری خداوند نسبت به بندگان مرسل و مخلص، از وعده‌های مسلم او و از ستهای قطعی است که در آیات فوق، به عنوان یک وعده و سنت بیان شده است.

نکته قابل تأمل، همان‌گونه که در آیات قبل هم بیان شد، این است که خداوند وعده می‌دهد پیامبران و صالحان را بر مشرکان غالب سازد و

۱. ینابیع المودة، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، دار الاسوة، چاپ اول، ۱۳۱۶ ق، ص ۴۴۹.
۲. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، قم، انتشارات دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق، ص ۴۲۵.
۳. صافات / ۱۷۱ - ۱۷۳.

آنها را یاری رساند. معلوم است که این نصرت و غلبه، فقط نصرت در عالم آخرت نیست؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^(۴) «این نصرت و غلبه» در دنیاست.»

منظور، نصرت و پیروزی انبیا^ص بر مشرکان در زمان خود انبیا هم یقیناً نیست؛ زیرا دعوت بسیاری از انبیا^ص در قومشان اثر نبخشید و بلکه بسیاری از آنها در این راه، به شهادت رسیدند. تحقیقاً این پیروزی و غلبه وعده داده شده، همان پیروزی مقصد و هدف انبیای الهی است که برای آن، مبعوث شده‌اند.

اخبار متواتر و اجماع علما نشان می‌دهد نصرت و غلبه، زمانی محقق خواهد شد که ولی عصر^ع قیام کند و اهداف انبیا را جامه عمل بپوشاند.^(۵)

- در تفاسیر اهل سنت چه آیاتی بر امام زمان^ع تفسیر شده است؟
- آیاتی از قرآن کریم در باره

۴. غافر / ۵۱.

۵. مطالب فوق، برگرفته از کتابهای ذیل است: سیمای نورانی، عباس کمساری؛ امام زمان^ع در قرآن و نهج البلاغه، قم، مؤسسه فرهنگی سما، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۲ - ۴۴.

تفسیر کشف الاسرار که از تفاسیر معتبر اهل سنت است در شرح این آیه می‌گوید: «رسول در این آیه محمد (ص) است و هدی و هدایت، قرآن و ایمان است و دین حق، اسلام است و خدا این دین را بر دیگر ادیان برتری می‌دهد؛ چنان‌که دینی نماند، مگر اینکه اسلام بر آن غالب آید و این امر، بعد از این خواهد شد و هنوز نشده است.»^(۳)

ب. «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۴) «اگر با ایمان باشید، بقیه‌الله برای شما خیر است.»

در نور الابصار آمده است: «چون [مهدی] ظهور کند، کعبه را پایگاه خویش قرار می‌دهد و ۳۱۳ نفر از یارانش به او می‌پیوندند، آن‌گاه در نخستین سخن، این آیه را تلاوت می‌کند: بقیه‌الله بهتر است برای شما اگر ایمان بیاورید. پس می‌گوید: منم بقیه‌الله و خلیفه خدا و حجت او بر شما.»^(۵)

ج. «لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي

حضرت مهدی (عج) است و روایات فراوانی نیز تفسیر آن آیات را بر عهده دارند و اکنون، برخی از آن آیات را - که از منظر مفسران اهل سنت به حضرت مهدی (عج) اختصاص دارند - تقدیمتان می‌کنیم.

الف. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^(۱) «او کسی است که پیامبر خود را برای مردم فرستاد، با دینی درست و بر حق، تا او را بر همه دینها پیروز سازد، هر چند مشرکان را خوش نیاید.»

در تفسیر قرطبی آمده است: «پیروزی اسلام بر دیگر ادیان، هنگام قیام مهدی (عج) است. در آن زمان، مردمان یا باید مسلمان شوند و یا جزیه دهند و اینکه گفته شده است مهدی، همان عیسی است، نادرست است؛ زیرا اخبار صحیح به گونه متواتر وارد شده‌اند که مهدی از خاندان پیامبر خاتم (ص) است.»^(۲)

۳. کشف الاسرار، رشید الدین امام احمد میبدی،

(از عالمان قرن پنجم)، ج ۴، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۴. هود / ۸۶

۵. نور الابصار، سیدمؤمن بن حسن مؤمن شبلنجی،

چاپ دار الجیل، بیروت، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۴۹.

۱. توبه / ۳۳.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ابو عبد الله محمد بن احمد انصاری قرطبی، ج ۸، (تحقیق عبد الرزاق المهدی)، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۱۱.

الْآخِرَةَ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛^(۱) «... نصیبشان در دنیا خواری و در آخرت، عذابی بزرگ است.»

سیوطی می‌نویسد: «خواری و ذلت در دنیا، زمانی فرا می‌رسد که مهدی به پا خیزد و قسطنطنیه را فتح کند و آنان را بکشد.»^(۲) در تفسیر طبری و تفسیر کشف الاسرار^(۳) نیز - به همین مطلب که سیوطی نوشته است - تصریح شده است.

د. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛^(۴) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و مقاومت ورزید و رابطه کنید و از خدا بترسید. باشد که رستگار شوید.»

حافظ قندوزی از [امام] محمد باقر^(ع) درباره این آیه روایت کرده است که فرمود: «شکیبا باشید برادای فرایض و واجبات و در برابر آزار دشمنان، استقامت ورزید و با امامتان مهدی،

۱. بقره / ۱۱۴.

۲. در المنتور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین

سیوطی، دار الفکر، چاپ دوم، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳. تفسیر کشف الاسرار، ج ۱، ص ۳۲۵.

۴. آل عمران / ۲۰۰.

مربطه کنید.»^(۵)

ه. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا»؛^(۶) «از تو درباره ساعت می‌پرسند که زمان وقوع آن، چه زمانی است...». حافظ قندوزی از مفضل بن عمر از [امام] صادق^(ع) روایت کرده است که فرمود: «ساعت قیام قائم است.»^(۷)

و. «اغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛^(۸) «بدانید که خدا زمین را پس از مرگش احیا می‌کند.»

حافظ قندوزی می‌نویسد: «خداوند آن را به دست قائم زنده می‌سازد. پس در آن عدالت کند و زمین را با عدل، پس از مردنش به سبب ظلم، زنده سازد.»^(۹)

ز. «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»؛^(۱۰) «پس

۵. موعود قرآن، صادق حسینی شیرازی، ترجمه مؤسسه الامام المهدي، ۱۳۶۰، ص ۲۲، به نقل از: ینابيع الموده، ص ۵۰۶.

۶. اعراف / ۱۸۷.

۷. موعود قرآن، صادق حسینی شیرازی، ص ۴۴، به نقل از: ینابيع الموده، ص ۴۲۹.

۸. حدید / ۱۷.

۹. موعود قرآن، صادق حسینی شیرازی، ص ۱۳۹، به نقل از: ینابيع الموده، ص ۵۱۴.

۱۰. تغابن / ۸.

یاران اویند و هنگامی که «قائم»، ظهور کند دشمنان او ضعیف‌تر و عددشان کم‌تر است.^(۳)

گفتنی است که از منظر اهل سنت، آیات فراوان دیگری درباره حضرت مهدی وجود دارد^(۴) که ذکر همه آنها در این پاسخ‌نامه نمی‌گنجد.



ایمان آرید به خدا و رسول و نوری که فرود آورديم، و خداوند بدانچه كنيد آگاه است.»

علامه قیسی می‌نویسد: حافظ ابو جعفر محمد بن جریر طبری گفت که پیامبر ﷺ در حجة الوداع فرمود: «ای مردم، ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾؛ «ایمان بیاورید به خدا و پیامبرش و نوری که نازل کردیم.» سپس فرمود: «نور در من است، سپس در علی است، و بعد در نسل وی باشد تا قائم مهدی.»^(۱)

ح. ﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُنَّ وَأَصْرًا وَقَلَّ عِدًّا﴾^(۲) «تا وقتی که ببینند آنچه را وعده داده می‌شوند، پس به زودی بدانند که چه کسی از لحاظ یار، ناتوان‌تر و از لحاظ عدد، کم‌تر است.»

حافظ قندوزی از امام سجاد ﷺ در تفسیر این آیه نقل می‌کند که «ما یوعدون» (آنچه وعده داده می‌شوند) در این آیه، «قائم» مهدی و اصحاب و

۱. همان، (موعود قرآن، ص ۱۴۶)، به نقل از: ماذا فی التاريخ، ج ۳، ص ۱۴۵ - ۱۴۷.
۲. جن / ۲۴.

۳. موعود قرآن، به نقل از ینابیع الموده، ص ۵۱۵.
۴. مانند: آیه ۵ سوره قصص، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، آیه ۵۹ سوره نساء و ...